

# شیمه و جهانی‌شدن

سید عبدالقیوم سجادی\*

## مقدمه

جهانی پیوند می‌زند، ایده‌ها و هنجارهای بومی را جهانگیر می‌سازد و از طریق تعمیم‌سازی فرهنگی و ارزشی به استحاله و تخریب تمایزها و تفاوت‌های بومی و محلی می‌انجامد. از جانب دیگر، به گفته دیوید هاردی، جهانی‌سازی با فروریختن مرزهای زمانی و مکانی، جوامع بشری را دچار بی‌هویتی و بحران معنا می‌سازد؛ زیرا این پدیده مهم‌ترین عناصر هویت‌ساز - یعنی زمان و مکان - را تحت تأثیر قرار داده، به فشردگی مکان‌ها و تراکم زمان‌ها می‌انجامد.

با توجه به آثار و پیامدهای جهانی‌سازی برای جوامع بشری و با عنایت به وضعیت خاص جوامع اسلامی، چالش‌ها و تعارضات جهانی‌سازی نسبت به جوامع و اندیشه اسلامی تشدید

«جهانی‌سازی»\*\* به عنوان یک پدیده نسبتاً جدید، دغدغه فکری زمانه است. دغدغه بودن این مقوله ناشی از چالش‌های فکری و هویتی این پدیده است. آثار و پیامدهای جهانی‌سازی در عرصه‌ها و حوزه‌های اصلی حیات اجتماعی انسان (سیاست، اقتصاد و فرهنگ) با محورهای مثبت و منفی همراهند و همین امر موجب می‌گردد که داوری مطلق‌انگاران، سیاه و سفید دانستن مطلق آن و سطحی‌انگاران جلوه کند. دو رویه بودن جهانی‌سازی از سویی، ناشی از بُعد فناورانه آن می‌باشد و از سوی دیگر، در ماهیت ایدئولوژیک آن ریشه دارد. جهانی‌سازی با استفاده از فناوری ارتباطی، میان پدیده‌های بومی و

\* - دانشجوی دکتری و عضو هیأت علمی دانشگاه مفید قم.

مواجهه منطقی با پرسش‌های برآمده از درون جهانی‌سازی شناسایی کرد؟

متن حاضر به این پرسش عنایت دارد که اندیشه فقهی - کلامی چه ظرفیت‌هایی برای مواجهه با پدیده جهانی‌سازی دارد؟

طبعاً پرسش از ظرفیت‌های فکری مقدم بر سؤال از زمینه‌ها و موانع عینی است. سطح بحث نخست عمدتاً دارای رویکرد فکری است، در حالی که سطح دوم عمدتاً دارای رویکرد جامعه‌شناختی می‌باشد. پاسخ احتمالی مورد توجه در این نوشتار در این گزاره فرضی مطرح می‌شود: اندیشه فقهی - کلامی شیعی با اهتمام بر جایگاه عرف و عقل در فهم شریعت اسلامی از یک سو، و تأکید بر عنصر بالنده اجتهاد و تفقه دینی از سوی دیگر، ظرفیت‌های درونی قابل توجهی در مواجهه با پرسش‌های عصر جهانی‌شدن در اختیار می‌گذارد. برای تبیین پرسش مزبور و پاسخ اسلام شیعی به آن، مطالب این نوشتار در محورهای ذیل دنبال می‌شوند:

برای کشف ظرفیت‌های موجود در اندیشه سیاسی شیعی، مقایسه اصول، مبانی و اهداف حکومت جهانی اسلام، که در چارچوب اندیشه شیعی در قالب حکومت مهدوی و جامعه عصر ظهور

می‌گردد؛ زیرا چه جهانی‌شدن را به عنوان یک پروسه تاریخی تلقی نماییم یا یک پروژه غربی، در هر دو حالت، مظهر این ظرف ایده‌های لیبرالیسم است و فرهنگ لیبرالیستی، گفتمان مسلط عصر جهانی. این امر به معنای چالش جدی هویت و فرهنگ اسلامی است. به عبارت دیگر، جهانی‌سازی چالش‌های مدرنیته غرب در برابر سنت دینی را از لایه‌های خاص روشن‌فکری و روشن‌اندیشی در حوزه عام جوامع مطرح نموده و تعامل جوامع اسلامی با پدیده‌های جدید را به دغدغه عمومی مسلمانان و به ویژه جوانان مسلمان، تبدیل کرده است. با الهام از ایده آنتونی گیدنز می‌توان گفت: اگر تجدد و مدرنیته جوامع سنتی را با بحران هویت و تشخیص‌یابی روبه‌رو نمود، جهانی‌سازی این بحران را در سطح عام و گسترده وسیع جوامع سنتی مطرح کرد. در مواجهه با دغدغه مطرح شده، اندیشمندان مسلمان چه پاسخی تدارک دیده‌اند؟ اندیشه و فرهنگ اسلامی از چه ظرفیت‌ها و توانمندی‌هایی برای ارائه تعریف جدیدی از هویت انسان مسلمان و تجدد برخوردار است؟ به طور خاص، در اندیشه فقهی - کلامی تشیع، چه ظرفیت‌ها و زمینه‌هایی را می‌توان برای

تنها) رابطه مزبور از تعارض کامل تا انطباق و همراهی کامل در نوسان می‌باشد. با تفکیک دو رویه مزبور، استدلال می‌کنیم که جهانی شدن بذاته و از نظر ماهوی فرایندی تاریخی است که بر بنیان توسعه و پیشرفت خیره‌کننده تکنولوژی ارتباطی شکل گرفته است. بنابراین جهانی شدن ظرف بی‌مظروفی است که هر جمع و جماعتی می‌تواند مظروف خود را در درون آن به دیگران عرضه نمایند، هرچند امروزه حجم بیشتر این ظرف را آموزه‌های لیبرال غربی به خود اختصاص داده است. بنابراین، جوامع اسلامی نیز این فرصت را دارند تا با استفاده از منطق و توانمندی‌های تعالیم و فرهنگ اسلامی، جوامع تشنه و سرخورده بشری را سیراب سازند، اما ظرف انتقال‌دهنده این مشروب «جهانی شدن» می‌باشد.

**الف. ماهیت و ویژگی‌های جهانی شدن**  
در مورد ماهیت و ویژگی‌های جهانی شدن، اتفاق نظری وجود ندارد. احتمالاً این امر تا حدی طبیعی است؛ زیرا با پدیده‌ای روبه‌رو هستیم که در حال تکوین و «شدن» است و هنوز به «بودن» نرسیده تا توصیف و شرح جامعی از آن ارائه نماییم. عمدتاً سه رهیافت فکری از

مطرح می‌گردند، با اصول و اهداف جهانی سازی لیبرال و الگوی دموکراسی لیبرال می‌تواند راهگشا باشد. بر اساس اندیشه مهدویت، ناکامی الگوهای بشری در اداره عادلانه جوامع بشری زمینه‌های یأس، سرخوردگی و درماندگی انسان معاصر را فراهم نموده، خود بسترساز پذیرش ایده مهدویت شیعی می‌گردد. بنابراین، ناگزیر باید مهم‌ترین اهداف و ویژگی‌های نظام لیبرالیسم را به عنوان مظروف و گفتمان غالب جهانی سازی با اندیشه حکومت مهدوی مورد مقایسه قرار دهیم:

- ماهیت و ویژگی‌های جهانی شدن؛
- ماهیت و ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام؛
- مقایسه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام.

در سراسر این نوشتار، ما در پی تأیید این گمانه هستیم که جهانی شدن دارای دو رویه «ایدئولوژیک» و «تکنولوژیک» است. از نظر ایدئولوژیک، رابطه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام رابطه تعارضی، و از نظر تکنولوژیک، عدم تعارض و همراهی است. ناگفته پیداست که بر اساس دو دیدگاه دیگر (ایدئولوژیک‌نگر صرف و تکنولوژیک‌نگر

میان، لیبرال‌ها و فردگرایان پایان جنگ سرد را پیروزی نهایی لیبرال - دموکراسی غرب اعلام نموده، آن را مقطع کاملاً جدیدی در تاریخ بشری می‌خوانند. در این تلقی، جنگ سرد نه دوره خاصی از تاریخ، بلکه پایان تاریخ و نقطه پایانی سیر تکاملی ایدئولوژی بشری و عالمگیر شدن دموکراسی لیبرال غربی و شکل نهایی حکومت بشری است.<sup>(۳)</sup> نویسندگان مزبور تنها کشورهای غربی را حوزه حاکمیت الگوی دموکراسی لیبرال نمی‌دانند، بلکه با قاطعیت تمام، از جهانگیر شدن آن یاد می‌کنند. «این ترکیب به این معناست که فرایند بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی را برای کل جوامع انسانی دیکته کند؛ به طور خلاصه، چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای نیل به دموکراسی لیبرال.»<sup>(۴)</sup> بنابراین، هر چند فوکویاما از جهانی شدن نمی‌گوید، اما نظریه «پایان تاریخ» او محتوای جهانی شدن محسوب می‌شود.

صرف نظر از تفاوت‌های لفظی و گاه ماهوی در تعریف جهانی شدن، از میان تعاریف گوناگون، می‌توان این نکته را به عنوان مخرج مشترک کلیه تعاریف‌ها برگزید که جهانی شدن، چه به عنوان یک

سه زاویه مختلف به بررسی این مقوله پرداخته‌اند: نگاه رئالیستی، لیبرالیستی و رادیکال. دو نگاه اول و سوم جهانی شدن را پدیده‌ای دیرینه و مقوله‌ای قدیمی می‌دانند، در حالی که نگاه لیبرالیستی آن را یک مقوله جدید می‌خواند. واقع‌گرایانی همچون گیلین (۱۹۸۷) و هانتینگتون (۱۹۹۳) دوره جدید را ادامه دوره جنگ سرد ارزیابی نموده، تنها تفاوت هر دو مقطع را در دگرگونی چهره قدرت می‌دانند. اینان معتقدند: سیاست جهانی پس از جنگ سرد با پیش از آن تفاوت جدی ندارد و تنها حوزه رقابت و چهره قدرت تغییر نموده است. گیلین معتقد است: آنچه تغییر کرده یک بازی در قلمرو اقتصادی است، اما هانتینگتون بر این باور است که سیاست قدرت همچنان ادامه دارد، با این تفاوت که جای بازیگران دگرگون شده و تمدن‌ها به جای دولت - ملت‌ها بازیگران اصلی سیاست جهانی‌اند.<sup>(۱)</sup> رهیافت رادیکال و انقلابی، که عمدتاً مارکسیست‌های تجدید نظر طلب هستند، نیز بسان واقع‌گرایان می‌اندیشند و معتقدند که صحنه جدید صرفاً مرحله‌ای جدید در ابراز بلند پروازی‌های امپریالیستی است و جهانی شدن شکل جدیدی از استعمار است.<sup>(۲)</sup> اما در این

اندازه احتمال توفیق دارد؟ این پرسش از نگاه لیبرالیسم پاسخ مثبت دارد؛ زیرا جهانی شدن جریانی طبیعی است که دیر یا زود شعاع خود را بر سراسر جهان گسترش خواهد داد. در این تلقی، همراه با جهانی شدن، دنیا شاهد عالمگیر شدن دموکراسی لیبرال، تجارت آزاد و اصول اعتقادی لیبرال خواهد بود و دیگر فرهنگ‌ها در برابر موج توفنده این جریان رنگ خواهند یافت.

اما در مقابل، نگرش چپ و دیدگاه انتقادی، جهانی شدن را چهره جدیدی از قدرت امپریالیستی می‌خواند و عمدتاً جنبه پروژه بودن آن را مورد تأکید دارد و معتقد است که جهانی شدن با مقاومت‌هایی مخالف در قالب جنبش‌های کارگری و ائتلاف‌های منطقه‌ای رویه‌رو خواهد گشت. از منظر اسلامی، آراء و اندیشه‌های بشری دارای جنبه‌های صوری و گذرا هستند و از پایداری و ماندگاری برخوردار نیستند و در برابر اندیشه‌های دینی رنگ خواهند باخت؛ زیرا اسلام با توجه به ظرفیت و توانمندی ذاتی و انطباق با فطرت انسانی، از جذبه‌هایی به مراتب بیش از ایده‌های بشری برخوردار است. اما تحقق این امر نیازمند ارائه منطقی دینی در قالب قابل قبول و ترسیم چهره

پروسه یا پروژه، بیانگر وضعیتی است که در درون آن، ارتباطات متقابل، وابستگی متقابل و تأثیرگذاری متقابل به شکل فزاینده‌ای رشد یافته است، به گونه‌ای که شعاع اثرگذاری رفتار واحدهای سیاسی از مرزهای ملی عبور نموده، دورترین واحدها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آنتونی مک‌گرو ضمن تأکید بر بعد ارتباطی «جهانی شدن»، ویژگی‌های ذیل را برای آن مطرح می‌کند:

۱. فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و اعتقادی بر ماورای مرزهای ملی تأثیر می‌گذارند و از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند؛
  ۲. حجم کنش متقابل افزایش می‌یابد و نظام جدید جهانی ایجاد می‌گردد؛
  ۳. شدت و وسعت ارتباطات افزایش می‌یابند و زمان و مکان فشرده می‌شوند؛
  ۴. ارتباطات در حال رشد مسائل جدیدی در سطح فراملی ایجاد می‌کنند که دغدغه عمومی بشر هستند و حل و فصل آن‌ها نیازمند همکاری جهانی می‌باشد.
  ۵. شبکه‌های به هم فشرده، که بازیگران ملی را محدود می‌نمایند، شکل می‌گیرند و حاکمیت و خودمختاری آنان را کاهش می‌دهند.
- اما جهانی شدن با این ویژگی‌ها تا چه

ورای مرزهای ملی و در سطح جهان جست‌وجو می‌کند، مطرح می‌نماید. مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام عصر ظهور را می‌توان در محورهای ذیل مطرح کرد:

#### ۱. پیشرفت برق آسای علوم

روایات و متون دینی اسلام جامعه عصر ظهور و تحت حاکمیت حکومت جهانی امام عصر (عج) را به گونه‌ای توصیف نموده‌اند که فهم این تحولات جز در پرتو گسترش عینی فناوری علم و اطلاعات، که از آن با عنوان «جهانی شدن» یاد می‌شود، دشوار می‌نماید. از این رو، تفاسیر اسلاف و اندیشمندان گذشته این دگرگونی عظیم و بنیادین در زمینه علوم و فناوری را از منظر قدرت ماورای طبیعی و با عنوان «معجزه الهی» مطرح نموده‌اند. برای نمونه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «دانش بیست و هفت حرف (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند دو حرف است و مردم تا آن روز (عصر ظهور) بیش از آن دو حرف ندانند و وقتی قائم قیام کند، بیست و پنج حرف بقیه رایبرون می‌آورد و در میان مردم منتشر می‌سازد. بدین سان، مجموع بیست و هفت جزء دانش را نشر

واقعی اسلام نزد افکار جهانی است. در صورت تحقق این مسئله، جهان در آینده شاهد جهانی شدن اسلام به جای لیبرالیسم غرب خواهد بود.

#### ب. حکومت جهانی اسلام

حکومت جهانی اسلام بر مبنای نگرش جهان‌شمولی تعالیم اسلامی استوار می‌باشد. این نکته بدان معناست که اسلام دینی جهان‌شمول و عالمگیر است که در جهت رفاه دنیوی و سعادت عموم انبای بشر، برنامه‌های خود را مطرح می‌نماید. هدف اسلام در واقع، همان هدف بعثت نبی خاتم و فلسفه نبوت است که در بلند مدت، غایت آن را کمال و سعادت بشری تشکیل می‌دهد. اما برای رسیدن به این هدف نهایی، اسلام از بسط ارزش‌های دینی و به ویژه عدالت اجتماعی از حوزه خاص، آغاز می‌کند و تا مرز عدالت‌گستری در سطح جهان امتداد می‌یابد. بنابراین، تقسیم مکارم اخلاق و بسط عدالت اجتماعی و قیام جامعه به قسط و عدالت از مهم‌ترین اهداف رسالت نبی خاتم می‌باشد. در این زمینه، اسلام سازوکار اجرایی نیل به اهداف مزبور را تحت عنوان «تشکیل حکومت دینی»، که گستره حاکمیت خود را در

می دهد.» (۵)

گونه‌ای که وقتی امام با آن‌ها سخن می‌گوید آنان می‌شنوند و او را می‌بینند و امام در جایگاه خود قرار دارند.» (۷)

در اینجا رویه تکنولوژیک جهانی شدن مطرح است که نه تنها با اندیشه حکومت جهانی اسلام تعارض ندارد، بلکه فهمی معقول و قابل قبولی از آن مطرح می‌کند. اگر در گذشته، درک مضمون این حدیث با شک و تردیدهای علمی رویه‌رو بود، امروزه توسعه و پیشرفت خیره‌کننده فناوری و اطلاعات ارتباطی این معانی را مورد تأیید قرار داده، کمترین تردیدی برای آن‌ها باقی نمی‌گذارد. در پرتو چنین جامعه‌ای، مردمانی با افکار و اندیشه‌های بلند و بینش وسیع تربیت می‌شوند که بیش از پیش استقرار حاکمیت جهانی اسلام و برخورداری از یک جامعه همراه با ثبات و عدالت را فراهم می‌آورند؛ زیرا شهروندان این جامعه در پرتو عقلانیت ناشی از تعالیم عصر ظهور و با پشتوانه توسعه علمی، به تعامل و برقراری روابط اجتماعی در سایه حکومت مهدوی همت می‌گمارند.

بنابراین، طبق مفاد روایت مزبور، نشر و گسترش علوم، اعم از علوم عقلی و طبیعی، در عصر ظهور، در مقایسه با سایر مقاطع تاریخی، از نسبت ۲ به ۲۵ برخوردار می‌باشد. در پرتو پیشرفت علم و فناوری است که امکان اعمال حاکمیت جهانی در اکناف عالم فراهم می‌آید و شهروندان حکومت جهانی با همدیگر مرتبط می‌شوند. امام صادق (علیه السلام) این مسئله را چنین مطرح می‌نماید: «در زمان قائم، شخص مؤمن در حالی که در مشرق به سر می‌برد، برادر خود را، که در مغرب است، می‌بیند و نیز آنکه در مغرب است، برادر خویش را در شرق خواهد دید.» (۶)

پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات، که از آن به عنوان مهم‌ترین عامل جهانی شدن به مفهوم فشرده شدن فضا و زمان یاد می‌کنند، در عصر ظهور به مرحله کمال می‌رسد، به گونه‌ای که همگان در آن واحد، از طریق امواج صوتی پیام را دریافت می‌کنند. در روایتی، در این زمینه می‌خوانیم: «چون قائم ما قیام کند، گوش و چشم شیعیان ما را چنان تقویت می‌کند که بین آن‌ها و امام، پست و پیکی وجود نداشته باشد، به

## ۲. توسعه اقتصادی و عدالت

## اجتماعی

«توسعه اقتصادی» به مفهوم برخورداری از موهبت‌های مادی و بهبود کمی و کیفی زندگی، از دیرباز یکی از دغدغه‌های بشر بوده و امروزه نیز جایگاه مهمی در مباحث اجتماعی - سیاسی به خود اختصاص داده است. اما از سوی دیگر، «عدالت اجتماعی» نیز مقوله‌ای است که در کنار توسعه اقتصادی به عنوان گم‌شده جوامع بشری از دیرزمان مطرح بوده است. اگر توسعه اعتقادی را از کنار ویژه‌های مهم دولت‌ها بدانیم، به یقین برقراری عدالت اجتماعی و ایجاد فرصت‌های برابر برای کلیه شهروندان از مهم‌ترین وظایف آنان محسوب می‌گردد. در میان دو مقوله توسعه و عدالت، دومی از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و در عین حال، کمتر مورد توجه قرار داشته است. ثروتمندان و توانمندان منابع اقتصادی را در انحصار خود دارند و روند رو به ازدیاد و انباشت ثروتشان را با تشدید فقر در جوامع ضعیف و فقیر دنبال می‌کنند. امروزه علی‌رغم ظهور صوری توسعه اقتصادی، عدالت در ورای امیال و منافع صاحبان قدرت‌های اقتصادی و سیاسی کنار زده شده و کمترین نمودی از

آن به چشم نمی‌خورد. در جهانی که ۸۰٪ از موهبت‌های مادی تنها در اختیار ۲۰٪ از جوامع بشری قرار دارد، صحبت از عدالت گفتمانی یوتویایی (آرمان‌شهر) را می‌ماند که در سطح خواست درونی جوامع بشری باقی می‌ماند.

در پرتو حکومت جهانی اسلام، عدالت اجتماعی در شکل کامل آن عینیت می‌یابد؛ رفاه مادی و توسعه اقتصادی شکوفا می‌گردد و همگان از این شکوفایی منتفع می‌گردند. توسعه اقتصادی در حکومت جهانی شکاف فقیر و غنی را از میان برمی‌دارد و مرزبندی شمال و جنوب را یکباره کنار می‌گذارد. روایات اسلامی توسعه مزبور را این‌گونه توصیف می‌کند.<sup>(۸)</sup> یا طبق حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «رفاه و برخورداری اقتصادی در جامعه عصر ظهور بی سابقه است و امت من در زمان مهدی از چنان نعمتی برخوردار می‌شوند که مانند آن را هرگز برخوردار نشده باشند؛ آسمان باران بر سر آنان فرو می‌ریزد و زمین هیچ گیاهی را نگاه نمی‌دارد، مگر این‌که آن را می‌رویاند.»<sup>(۹)</sup>

اما این وفور و توسعه بی سابقه چگونه توزیع می‌گردد؟ احتمالاً در اینجا مهم‌ترین نقطه امتیاز حکومت جهانی



گستره عدالت حکومت جهانی اسلام بر رسالت جهان شمول این دین انطباق دارد و از مرزهای تصنعی عبور می‌کند. عدالت‌گستری امام عصر (عج) از موهبت‌های الهی است که همانند اصل اسلام و پیام آور وحی، کلیه جوامع بشری را منتفع می‌سازد. بنابراین، به همان‌سان که جامعه عصر ظهور جامعه جهانی است، عدالت حاکم بر آن نیز جهانی خواهد بود. از رسول گرامی ﷺ نقل شده است که فرمودند: «شما را به مهدی بشارت می‌دهم که او هنگام اختلاف و تزلزل مردم، در امت من مبعوث شود و زمین را از عدل و داد پر کند؛ چنان‌که از ظلم و ستم پر شده باشد و اهل آسمان و زمین از وی خشنود و راضی شوند.» (۱۲)

### ۳. حاکمیت جهانی

از دیگر ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام، حاکمیت جهانی است؛ «حاکمیت» به مفهوم اعمال نظریه حکومت جهانی و تحقق عینی آن در مدیریت و سامان‌دهی جوامع بشری. حکومت جهانی اسلام صرفاً یک پدیده نظری نیست، بلکه در فرایند تاریخی خود، از طریق حاکمیت تعالیم و آموزه‌های دینی بر کلیه جوامع بشری

اسلام از مقوله «جهانی شدن» است؛ زیرا چرخ جهانی شدن اگر توسعه علم، فناوری و حتی بازار آزاد اقتصادی را با خود حمل می‌کند، تنها به نفع صاحبان ثروت می‌چرخد و همگان از آن منتفع نمی‌گردند. اما در سایه حکومت جهانی اسلام، دستاوردهای بشری و موهبت‌های اقتصادی به گونه‌ای توزیع می‌گردند که کمترین اجحاف و تعدی نسبت به حقوق افراد صورت نگیرد: «امت او چنان نزدش پناه جویند که زینورهای عسل نزد ملکه خود؛ زمین را پر از عدل و داد کند، همان‌گونه که از جور و ستم مالا مال شده باشد، به طوری که مردم همچون جامعه نخستین خود گردند. وی خفته‌ای را بیدار نمی‌کند و خونی را نمی‌ریزد.» (۱۰)

احتمالاً مقصود از «جامعه نخستین» در حدیث مزبور، اشاره به این نکته باشد که جامعه عصر ظهور همانند جوامع اولیه، بر اساس صلح و صفای برخاسته از فطرت انسانی و به دور از هر نوع زیاده‌خواهی و امتیاز طلبی است و همگان همانند دانه‌های تسبیح، یک‌رنگ و یک‌صدا جامعه واحدی را شکل می‌دهند که همان جامعه‌ای است که قرآن از آن به جامعه واحد و «امة واحدة» یاد می‌کند. (۱۱)

جهانی اسلام در عصر ظهور صورت می‌گیرد. بنابراین، حکومت جهانی اسلام با حاکمیت تعالیم اسلام در سراسر جهان همراه است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمودند: «قائم به سبب ترس و رعب به وجود آمده در دل دشمنان پیروز می‌گردد و با یاری خداوند تأیید می‌گردد و ... گنج‌های زمینی برایش آشکار می‌گردد و حکومت وی شرق و غرب جهان را فرا می‌گیرد و خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکاتب جهان پیروز می‌گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند؛ ویرانی‌های زمین آباد می‌گردد و عیسی روح‌الله علیه السلام به زمین فرود می‌آید و پشت سر آن حضرت نماز می‌گزارد.» (۱۴)

ج. حکومت جهانی اسلام و جهانی شدن  
محورهای یادشده به عنوان ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام به نحوی در فرایند جهانی شدن نیز به چشم می‌خورند. اما در این میان، چند نقطه تمایز جدی وجود دارند. این نقاط از جهاتی بیانگر ناتوانی «جهانی شدن» در عالمگیر نمودن فرهنگ لیبرالیسم غرب نیز می‌باشند. مقایسه اجمالی محورهای مزبور از دیدگاه دو رویکرد اسلام و

تحقق عینی می‌یابد. بنابراین، در پرتو حاکمیت جهانی اسلام، همه حاکمیت‌های ملی رنگ می‌بازند و مرزهای تصنعی از میان برداشته می‌شوند.

در حدیثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این زمینه آمده است: «إِنَّ خُلَفَائِي وَأَوْصِيَائِي وَحُجَّجَ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي الْاِثْنَيْ عَشَرَ أَوْلَاهُمْ عَلِيٌّ وَأَخْرَهُمْ وَلَدِي الْمَهْدِيُّ ... وَ تَشْرُقُ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ»؛ (۱۳) جانشینان پس از من دوازده نفرند که اولشان علی و آخرش مهدی است ... وی [مهدی] زمین را با نور الهی روشن خواهد کرد و حکومت او در تمام شرق و غرب زمین گسترش خواهد یافت.

در واقع، حاکمیت جهانی اسلام، که در آیات قرآن کریم و روایات رهبران دینی با عنوان برتری اسلام نسبت به سایر ادیان و عالمگیر شدن این دین آسمانی با مفاهیم و عبارات گوناگون بیان شده است، در پرتو حکومت جهانی امام عصر (عج) تحقق می‌یابد. جمعی از مفسران در تفسیر آیاتی ناظر به عالمگیر شدن اسلام مانند آیه «يُظْهِرُ عَلَى الدِّينِ كَلِمَةً وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه: ۱۴)، گفته‌اند: تحقق این امر با استقرار حکومت

عقول آدمیان تمرکز می‌یابد و اخلاق به کمال می‌رسد. نتیجه این امر در روابط اجتماعی دوستانه و به دور از کینه‌ورزی و حسادت، که از ریشه‌های اساسی تعارض محسوب می‌شوند، بازتاب می‌یابد.

#### ۲. توسعه اقتصادی و عدالت اجتماعی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های جهانی شدن تشدید شکاف فقیر و غنی است، به گونه‌ای که برخی از صاحب‌نظران معتقدند: جهانی شدن روندی است که به نفع نظام سرمایه‌داری و در جهت خواست‌ها و منافع ثروتمندان حرکت می‌کند. همین مسئله باعث شده است که عده‌ای از نویسندگان مانند سمیر امین و پل سویزی از آن به عنوان چهره جدید امپریالیسم سرمایه‌داری یاد کنند. در فرایند جهانی شدن، هرچند بشر دوره درخشان توسعه و رفاه اقتصادی و اوج پیشرفت اقتصادی را نظاره‌گر خواهد بود، اما همه این دستاوردها در اختیار معدودی از جوامع خواهند بود. بنابراین، عصر جهانی شدن دوره شکوفایی اقتصادی و تجارت همراه با تشدید فقر و محرومیت در جوامع حاشیه‌ای خواهد بود. نابرابری شگفت‌انگیز اقتصادی در عصر جهانی شدن، کلیه مواهب اقتصادی

جهانی شدن، می‌تواند بازگوکننده توانمندی و پویایی اندیشه حکومت جهانی اسلام و کاستی‌های جهانی شدن نیز باشد.

#### ۱. توسعه علم و فناوری

آنچه در فرایند جهانی شدن در حال شکل‌گیری است، رشد چشمگیر علم تجربی و فناوری بشری است، اما آیا در پرتو این ترقی و توسعه عقلانیت، اخلاق نیز توسعه یافته است؟ این پرسش احتمالاً مهم‌ترین تمایز عصر جهانی شدن با عصر ظهور است؛ زیرا ویژگی عصر ظهور، توسعه علم و فناوری، اعم از علوم طبیعی و عقلی، است و در واقع، در این عصر، عقول و اخلاق بشر نیز به توسعه و کمال می‌رسند و همین نکته خود به عنوان زمینه‌ساز پذیرش حاکمیت جهانی اسلام مطرح گردیده است. روایاتی که در این زمینه آمده‌اند، به وضوح این نکته را یادآور می‌شوند که در عصر ظهور، عقول بشری به کمال می‌رسند و روابط سالم، عادلانه و انسانی در پرتو چنین عقلانیتی شکل می‌گیرند. روایات متعددی این مضمون را تصریح می‌کنند که: «... وَضَعُ اللّٰهُ يَدَهُ عَلٰى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بَهَا عَقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهَا اَخْلَاقَهُمْ»<sup>(۱۵)</sup> در جامعه عصر ظهور،

عینیت عربی مقوله‌ای موسوم به «حاکمیت جهانی» و «حکومت جهان وطنی» را مطرح نمود و حصارهای تنگ قومی، نژادی و سرزمینی را در نوردید، امروزه «جهانی شدن» پس از فروپاشی رقیب دیرینه‌اش، کمونیسم، داعیه‌دار جهانگیر شدن گردیده و از گسترش حاکمیت جهانی لیبرالیسم و دموکراسی لیبرال غربی داد سخن می‌دهد.

اما در این میان، یک نقطه تمایز جدی وجود دارد و آن این‌که جهانی شدن با تحمیل آموزه‌های فرهنگی لیبرالیسم بر دیگر جوامع، نوعی «هژمونی فرهنگی» با خود حمل می‌کند که به صورت طبیعی، در برابر خود مقاومت و واکنش ایجاد می‌کند. جنبش‌های اجتماعی موسوم به «فمینیسم»، جنبش کارگری، سبزها و در نهایت، جنبش‌های اسلامی از نمودهای مقاومت در برابر جهانی شدن می‌باشند. منطقه‌گرایی به مفهوم همسویی و اتحاد کشورهای منطقه خاص و یا حوزه تمدنی و فرهنگی خاص، امروزه مهم‌ترین گزینه قابل توجه در برابر جهانی شدن است که به عنوان نقطه مقاومت مورد توجه قرار گرفته.

حاکمیت جهانی اسلام با توجه به ماهیت انسانی و فطری خود، از

رفاهی را در اختیار تنها ۲۰٪ از جوامع بشری می‌گذارد و برخورداری چشمگیر اینان را به بهای محرومیت بی‌شماری از انسان‌ها جست‌وجو می‌کند.

اما در عصر حکومت جهانی اسلام، آن‌گونه که روایات دینی توصیف می‌کنند، جوامع همراه با برخورداری‌های مادی، از عدالت و برابری بی‌سابقه‌ای نیز برخوردار خواهند بود. در این جامعه، نه تنها حقی از کسی ضایع نمی‌گردد، بلکه کلیه امکانات و موهبت‌های معنوی و مادی به صورت برابر در اختیار همگان قرار می‌گیرند. منطق استدلالی این گزاره نیز با عقلانیت و کمال بشری و وفور امتیازات مادی به انجام می‌رسد. اگر همهٔ ابنای بشر در جامعه‌ای برخوردار از مواهب مادی و همراه با وفور اقتصادی زندگی کنند و بر اساس عقلانیت کامل به تعامل بپردازند، دیگر انگیزه‌ای برای تعدی به حقوق دیگران وجود نخواهد داشت.

### ۳. حاکمیت جهانی

یکی از محورهای تشابه جهانی شدن و حکومت جهانی اسلام مفهوم «حاکمیت جهانی» است. اگر اسلام از نخستین روزهای طلوع در شامگاه جاهلیت و

و مسلمانان، روبه‌رو می‌باشد، حاکمیت جهانی اسلام با اقبال و رضایت عمومی بشر روبه‌رو خواهد بود. در واقع، از این منظر، یکی از ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام حاکمیت فراگیر و جهانی است که «یرضیٰ بها السَّمَاوَاتُ وِ الْأَرْضُ»<sup>(۱۷)</sup> (کلیه ساکنان زمین نسبت به آن اعلام رضایت و پذیرش می‌نمایند)؛ حکومتی است که کلیه جوامع بشری آن را دوست دارند<sup>(۱۸)</sup> و از سر رضایت آن را می‌پذیرند.

در یک جمع‌بندی مقدماتی، می‌توان به این نتیجه رسید که اگر در روایات و منابع دینی از دولت امام عصر (عج) به عنوان «دولت کریمه» یاد شده است، اشاره به حاکمیت قوانین اسلام و شریعت و حیانی دارد که از مصادیق بارز دولت کریمه است. عدالت‌گستری این دولت و رفع تعدی‌ها و نابرابری‌های تبعیض‌آلود از دیگر جنبه‌های ماهیت کریمانه این دولت است و در نهایت، وفور اقتصادی و بهره‌مندی‌های چشمگیر بشر از مرهبت‌های الهی و ذخایر طبیعی و الهی بیانگر بُعد دیگری از کریمانه بودن دولت امام عصر هستند که با حاکمیت جهانی اسلام تحقق می‌یابند.

زمینه‌های ذهنی و عینی قوی برای پذیرش برخوردار می‌باشد. پذیرش حاکمیت جهانی اسلام از یک سو، ریشه در سازگاری تعالیم اسلامی با خواست‌های درونی و فطری بشر دارد و از سوی دیگر، در یأس و سرخوردگی جوامع بشری از مکاتب و نظام‌های موجود. یأس و سرخوردگی ناشی از تعارض فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در جامعه لیبرالیسم، زمینه‌های پذیرش آموزه‌های اسلامی را بیش از پیش مهیا می‌سازد. احتمالاً به همین دلیل است که روایات دینی ما بر این نکته اذعان می‌کنند که در عصر ظهور، کلیه جوامع بشری اسلامی می‌گردند و صدای اسلام در اکناف عالم می‌پیچد. در برخی از روایات اسلامی، این مضمون چنین آمده است: «هیچ چیزی در روی کره زمین نمی‌ماند، جز این‌که مطیع حکومت حضرت می‌شود.»<sup>(۱۶)</sup> این بیان نه تنها گستره جغرافیای حاکمیت جهانی اسلام، بلکه استیلاي قوانین اسلامی بر سراسر نظام هستی را مطرح می‌کند.

بنابراین، در حالی که جهانی شدن به مفهوم «یکسان‌سازی فرهنگی» و تحمیل ایده لیبرالیسم با مقاومت‌ها و نارضایتی بیشتر جوامع دیگر، به ویژه جوامع شرقی

## نتیجه و استنباط

با توجه به ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام و عناصر شکل‌دهنده جهانی شدن، چند نکته را می‌توان به عنوان نتیجه نهایی استنباط نمود:

۱. حکومت جهانی اسلامی شیعی با ویژگی‌هایی همچون رشد و ترقی علوم و فنون بشری و شکوفایی عقلانیت، بسط و گسترش عدالت اجتماعی همراه با رفاه و توسعه اقتصادی و در نهایت، حاکمیت فراگیر و جهان‌شمول تعالیم و قوانین اسلامی بر سراسر جهان توصیف می‌گردد.

۲. جهانی شدن، چه به عنوان یک پروژه غربی و یا یک پروسه طبیعی و مرحله تاریخی، دارای ویژگی‌ها و آثار چندینی است که مهم‌ترین آن را در محورهایی همچون رشد علم و فناوری ارتباطی، فشرده شدن فضا و زمان، گسترش روابط فراملی و شکل‌گیری نهادها و شبکه‌های بین‌المللی می‌توان مطرح کرد.

۳. از مقایسه ویژگی‌های یاد شده در دو محور مزبور، نکات ذیل قابل استخراج می‌باشند:

الف. آنچه در فرایند جهانی شدن به عنوان رشد علوم و ترقی بشری، توسعه

اقتصادی و گسترش روابط فراملی با آن روبه‌رو هستیم، تنها نمود ضعیفی از جامعه جهانی است که شهروندان آن با آرامش روانی و فیزیکی در یک اجتماع آرام به تعامل و همزیستی می‌پردازند. هنوز در عصر جهانی شدن، حساسیت‌های ملی، قومی و حتی نژادی در سطح جوامع بشری کاملاً محسوسند و بعضاً در قالب جنگ‌های محلی و منطقه‌ای در قبال جهانی شدن بروز می‌یابند.

ب. جهانی شدن هرچند فرض‌های جدیدی برای جوامع بشری ایجاد می‌کند، اما - همچنانکه ذکر شد - این فرصت‌ها به صورت برابر توزیع نگردیده‌اند و در نهایت، به تشدید فقر و محرومیت در برخی جوامع به نفع تراکم ثروت در دست ثروتمندان می‌انجامند. این شکاف طبقاتی از یک سو و مقاومت بر سر ارزش‌های بومی و فرهنگی از سوی دیگر، مجال لازم برای پذیرش جهانی شدن را از میان برمی‌دارند. بنابراین، جوامعی که عمدتاً جهانی شدن آنان را به حاشیه و محرومیت می‌کشاند و از نظر فرهنگی و هویتی موجب استحاله آن‌ها می‌شود، در آینده به عنوان نیروهای معارض در برابر جهانی شدن ایفای نقش خواهند کرد.

Press, 1992), P.4.

4. Ibid, P. 45.

۵. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۶. همان، ص ۲۹۱.

۷. همان، ص ۲۳۶.

۸. همان، ج ۵۱، ص ۶۸.

۹ و ۱۰. علی کورانی، جامعه عصر ظهور، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۴، به نقل از: نسخه خطی ابن حمارة، ص ۹۸-۹۹.

۱۱. قرآن می فرماید: «كان الناس أمة واحدة» (بقره: ۲۱۳)

۱۲. عن ابي سعيد الخدري، قال: قال رسول الله ﷺ: «أبشركم بالمهدى يُبعث في أمتي على اختلاف بين الناس ونزال، يملأ الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً، يرضى عنه ساكن السماء والأرض» (ر.ك: ينابيع المودة، ص ۴۳۱ و نیز اثبات المهدی، ج ۷، ص ۸).

۱۳. ينابيع المودة، ص ۴۴۷ به نقل از: محمود شریعت زاده خراسانی، حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، قم، دارالسعادتین، بی تا، ص ۱۶۱.

۱۴. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۱۹۱

۱۵. «خداوند دست لطف و رحمت بر سر بندگان نهد که خردهاشان جمع شود و به بلوغ فکری و عقلی نایل گردند.» (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، دارالکتب اسلامیة، ج ۵، ص ۲۵)

۱۶. محمدباقر مجلسی، پیشین، ج ۵۲، ص ۳۰۷

۱۷. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمة، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۱۲۴۰.

۱۸. «يُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» همان.

ج. از برخی جنبه های جهانی شدن، بخصوص رویه فتاوارانه آن، می توان برای فهم و تحلیل بهتر و عالمانه حکومت جهانی اسلام بهره جست. با استفاده از فناوری ارتباطی جهانی شدن، می توان در جهت جهانی نمودن فرهنگ و تعالیم اسلامی بهره گرفت و منطق قدرتمند و سازگار با فطرت اسلام را به اکناف عالم انتقال داد. بنابراین، هرچند رویه آیدئولوژیک جهانی شدن به نفی حکومت جهانی اسلام می اندیشد و تعارض جدی با آن دارد، اما از رویه تکنولوژیک آن می توان ابزار کارآمدی برای بسط تعالیم و اندیشه های دینی ساخت و زمینه های فراگیری و جهان شمولی ایده اسلامی را فراهم نمود.

### پی نوشتها

#### Globalization

۱. ر.ک: فرهنگ رجالی، نظریه «روابط بین الملل در دنیای جهانی شده»، محمدکاظم سجاده پور. جهانی شدن، برداشت ها و پیامدها، تهران، دفتر مطالعات سیاسی، ۱۳۸۱، ص ۴۰۶.

۲. پل سویزی، سمیر امین و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگه، ۱۳۸۰، ص ۷، «نگاه کمتر یا بیشتر درباره جهانی شدن».

3. Francis Fukuyama, *The End of History and The Last Man* (New York, Free





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی